

یادداشت

بحران مهاجرت افغانستانی ها و لزوم بازنگری در سیاست‌های ایران

داوود مرادیان

رئیس انستیتوی مطالعات استراتژیک افغانستان

هم‌زمانی پایان مهلت اقامت مهاجران افغانستانی فاقد مدارک قانونی در ایران با حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران و نیز تقارن این وضعیت با فرارسیدن ماه محرم، سبب شده مسئله حضور شهروندان افغانستانی در ایران به یکی از موضوعات پرتنش میان دو ملت بدل شود. بر پایه گزارش‌های مختلف، از آغاز سال جاری میلادی تاکنون بیش از ۷۰۰ هزار شهروند افغانستانی از ایران به کشور خود بازگردانده شده‌اند. بزرگی این عدد را می‌توان تنها با تجربه مهاجرت در ایالات متحده مقایسه کرد. در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، مسئله اقامت غیرقانونی مهاجران به یکی از محورهای سیاست داخلی تبدیل شد. با وجود برآورد حضور بیش از ۱۲ میلیون مهاجر فاقد مدرک در آمریکا، آمار بازگشت در آن دوران بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر گزارش شده است. اگرچه این مقایسه به خودی خود داللتی بر درستی یا نادرستی تصمیمات داخلی ندارد، اما نشان می‌دهد که آنچه در ایران در حال رخ‌دادن است، از نظر مقیاس و پیامد، پدیده‌ای بی‌سابقه در سیاست مهاجرت منطقه است. بی‌آنکه بازتابی متناسب با ابعادش در رسانه‌ها و تحلیل‌ها یافته باشد.

نماینده آلمانی پارلمان اروپا، افغانستان تحت سلطه طالبان را «جهنم» توصیف کرده است. امروز صدها هزار انسان بی‌پناه، به این جهنم بازگردانده می‌شوند، بی‌آنکه چشم‌انداز روشنی برای آینده‌شان وجود داشته باشد. هم‌زمان، فضای مجازی فارسی‌زبان، آکنده از پیام‌های همدردی، خشم، نفرت و گلایه از وضعیت موجود شده است. این واکنش‌ها، چه عاطفی و چه سیاسی، نیازمند درک در زمینه‌ای تاریخی و ساختاری‌اند. تصمیمات دفعی، واکنشی و یکپارچه درباره مسئله‌ای با این سطح از پیچیدگی، نه‌تنها راه‌گشا نیستند، بلکه بر عمق بحران می‌افزایند. مواجهه با چالش چندلایه حضور چند میلیون افغانستانی در ایران، تنها با سیاست‌گذاری دقیق، واقع‌بینانه و چندجانبه ممکن خواهد بود. پدیده جابه‌جایی انسانی، از نخستین نشانه‌های تمدن بشری است. کمتر تحول سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی را می‌توان یافت که از آن بی‌تأثیر مانده باشد. برخلاف تصویر غالب در رسانه‌های غربی، کشورهای غیرغربی پذیرای بخش عمده مهاجران جهان هستند. ایران، پاکستان، ترکیه، مصر و عربستان سعودی در مجموع میزبان بیش از ۲۰ میلیون پناه‌جو از کشورهای همسایه‌اند.

ایران در پنج دهه گذشته، هم خود مبدأ مهاجرت‌های میلیونی بوده و هم میزبان میلیون‌ها پناه‌جو، عمدتاً از افغانستان. پیش از قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۷، ایران و افغانستان در یک قلمرو فرهنگی، تمدنی و سیاسی واحد زیست می‌کردند، اما با فروپاشی ساختارهای تاریخی مشترک، و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان به دست شوروی، دو کشور بار دیگر در متن یک سرنوشت سیاسی مشترک قرار گرفتند: ایران به پناهگاهی برای میلیون‌ها شهروند افغانستانی بدل شد. این حضور طولانی و پرمشار، یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های مهاجرت در تاریخ معاصر را رقم زد؛ پدیده‌ای که در آن، سخاوت و تحمل، هم‌زمان با تبعیض، بی‌سامانی نهادی و خستگی اجتماعی در هم تنیده شد. با وجود شرایط جنگی و تحریم‌های گسترده، ایران میزبان صدها هزار دانش‌آموز و دانشجوی افغانستانی بود. میلیون‌ها کارگر و هزاران بازرگان افغانستانی توانستند در ایران برای خود فرصت‌های اقتصادی بیافرینند. اما مانند هر تجربه پناهندگی، انتخابی در کار نبود؛ مهاجرت، نه یک تصمیم، بلکه یک اجبار بود.

برخورد ساختار سیاسی، نظام اداری و افکار عمومی ایران با مهاجران افغانستانی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد. تجربه روزمره بسیاری از ایرانیان از تعامل با افغانستانی‌ها اغلب مثبت بوده است. از کارگران پرتلاش تا دانشجویان مستعد، از رزمندگان لشکر فاطمیون تا بازرگانان موفق، طیف متنوعی از حضور افغانستانی‌ها در ایران تصویر مقبولی از خود ارائه داده‌اند. صدها مهاجر افغانستانی امروز به طبقه میلیاردر و سرمایه‌گذار در ایران تعلق دارند. با این حال، تصویر عمومی از افغانستانی‌ها در جامعه ایران، همچنان رنگی از تحقیر و طرد دارد. در سلسله‌مراتب نژادشناسانه، جامعه، آنها در پایین‌ترین سطوح قرار گرفته‌اند و این نگاه فرودستانه در قوانین و آیین‌نامه‌های تبعیض‌آمیز نیز بازتاب یافته است. در بسیاری از استان‌ها، افغانستانی‌ها از اشتغال در مشاغل مرتبط با بهداشت و غذا، حتی در صورت داشتن اقامت قانونی، منع شده‌اند. بدتر از آن، مفاهیم رسمی برای توصیف آنان، از واژگان مذهبی مانند «انصار و مهاجر»، به تعبیرهای مبهم و تبعیض‌آمیزی مانند «اتباع یکپانه غیرمجا» تغییر یافته است. ایران، برخلاف بسیاری از کشورها، وضعیت «پناهنده» را برای شهروندان افغانستان به رسمیت نمی‌شناسد و این خلأ، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی، به آشفتگی انجامیده است.

نبود تفکیک حقوقی میان انواع اقامت، یکی از ریشه‌های اصلی بی‌اعتمادی مهاجران و ناکارآمدی اداری است. در عمل، نه یک گردشگر اروپایی قادر به خرید خودرو است و نه یک افغانستانی که پنج دهه در ایران زندگی کرده است. گاه حتی محدودیت‌های وضع‌شده بر پناهندگان سخت‌گیرانه‌تر از مقررات متوجه گردشگران خارجی است. برای بسیاری از افغانستانی‌ها، سفر میان دو شهر نیاز به مجوز رسمی دارد، حتی با داشتن کارت اقامت معتبر. این در حالی است که هزاران نفر روزانه بدون مجوز در سراسر کشور جابه‌جا می‌شوند. قانونی که با واقعیت‌های زیست اجتماعی در تعارض باشد، خوانده‌خواه، نقض‌شدنی و بی‌اثر خواهد شد. تصمیم به بازگرداندن صدها هزار پناهنده، اگر بدون تمهیدات حقوقی و انسانی اتخاذ شود، نه‌تنها به بحرانی انسانی در افغانستان منجر خواهد شد، بلکه تهدیدی راهبردی برای ثبات و امنیت ایران نیز خواهد بود. همان‌طورکه پیش‌تر اشاره شد، تجربه زیسته بیشتر شهروندان ایران از همسایگان افغانستانی خود مثبت است. از سوی دیگر، نهاد رهبری در ایران بارها نشان داده که شناخت دقیق و تعلقی صادقانه درباره افغانستان دارد. این دو سرمایه اجتماعی و سیاسی، باید به پشتوانه‌ای برای تدوین راهبردی هوشمندانه، انسانی و مسئولانه در قبال مسئله مهاجرت بدل شوند.

کلید حل بحران نه در اخراج جمعی، بلکه در مشارکت راهبردی برای بازسازی افغانستان است. کم‌توجهی مزمَن ایران به تحولات افغانستان و در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری بر روابط با طالبان، یکی از عوامل شکل‌گیری موج‌های میلیونی پناه‌جویان به سوی مرزهای ایران بوده است. طالبان، گروهی فاقد ظرفیت اداره کشور و عاری از اراده برای ساختن آینده‌ای انسانی است. اعتماد به چنین پدیده‌ای، برای کاهش فشارهای مهاجرتی، ساده‌انگاری خطرناکی خواهد بود. ایران باید در همکاری با کشورهای منطقه و غرب، نقش فعال و ابتکاری در ساختن ساختاری مشروع و باثبات در افغانستان ایفا کند. گروهی که به صورت بنیادین ضد زن، ضد شیعه و ضد زبان فارسی است، نه متحد استراتژیک ایران خواهد بود و نه سپری برای امنیت مرزهای شرقی. ایران، اگر بخواهد سیاست مهاجرتی خود را از بن اصلاح کند، باید نگاه فرودستانه به دیگران و نیز خودتحقیری در برابر غرب را کنار بگذارد.

ادامه در صفحه ۳



عکس: مهرداد تاجی شرق

آسیب‌شناسی فضای سیاسی بعد از جنگ در گفت‌وگو با محمدعلی وکیلی

پارادایم نو و رقص وحدت در پساجنگ

عبدالرحمن فتح‌اللهی: فضای سیاسی ایران پس از جنگ اخیر، تحت تأثیر تحولات عمیق داخلی و خارجی، در کانون توجه تحلیلگران قرار گرفته است. مفهوم «تغییر پارادایم» به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های محوری این دوره، به‌ویژه در زمینه بازشدن فضای سیاسی و حزبی، بحث‌های گسترده‌ای را برانگیخته است. نشست اخیر اسکندر مؤمنی، وزیر کشور، با فعالان سیاسی و حزبی، که با حضور طیف‌های متنوعی از جریان‌های فکری برگزار شد، تلاشی برای نمایش انسجام ملی و گشایش سیاسی تلقی می‌شود. با این حال، با توجه به تجربه نشست‌های مشابه در دولت‌های سیزدهم و چهاردهم که اغلب فاقد خروجی ملموس بودند، تردیدهایی درباره کارآمدی این اقدامات در شرایط شکننده کنونی وجود دارد. این نشست‌ها، هرچند با هدف تقویت وفاق ملی و پاسخ به مطالبات سیاسی-اجتماعی برگزار می‌شوند، گاه به دلیل فقدان سازوکارهای اجرایی مشخص و نبود تداوم در پیگیری نتایج، به ابزاری برای مدیریت موقت بحران‌ها تقلیل می‌یابند. حضور چهره‌های متنوع حزبی در این گردهمایی‌ها، اگرچه نشانه‌ای از تمایل به گفت‌وگوی فراگیر است، اما بدون ایجاد زمینه‌های قانونی و عملی برای مشارکت واقعی احزاب، ممکن است صرفاً به نمایش وحدت در شرایط حساس پساجنگ محدود شود. این وضعیت، به‌ویژه در زمینه چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پس از جنگ، می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی را تضعیف کند. با این حال نباید از پتانسیل‌های مثبت این نشست‌ها غافل شد. چنین اقداماتی می‌توانند به‌عنوان گام‌های اولیه برای بازسازی فضای سیاسی و تقویت مشارکت مدنی عمل کنند، مشروط بر اینکه با برنامه‌ریزی دقیق و تعهد به اصلاحات ساختاری همراه شوند. در شرایط کنونی، که انسجام ملی ضرورتی انکارناپذیر است، حرکت به سوی گشایش تدریجی و حساب‌شده فضای سیاسی، با حفظ ثبات، می‌تواند راه‌گشا باشد.

در پیوست نکات یادشده، محمدعلی وکیلی در گفت‌وگوی خود با «شرق» به بررسی و آسیب‌شناسی فضای سیاسی ایران پس از جنگ اخیر پرداخته است. این فعال سیاسی-حزبی و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، به تکیه بر تجربه اندوخته‌اش، به تحلیل چالش‌های موجود در گشایش فضای سیاسی و نقش حیاتی انسجام ملی در شرایط حساس کنونی می‌پردازد. در مجموع این فعال رسانه‌ای، نگاهی امیدوارانه به آینده سیاسی ایران پساجنگ دارد که در ادامه مشروح گپ‌وگفت با او را می‌خوانید.

جناب وکیلی، یکی از کلیدواژه‌های پرتکرار و پریسامد این روزهای کشور بعد از جنگ اخیر، ناظر به «تغییر پارادایم» است که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن به بازشدن فضای سیاسی و حزبی کشور بازمی‌گردد که مخالفان و موافقان خود را دارد. اما یکشنبه هفته جاری شاهد برگزاری نشست اسکندر مؤمنی، وزیر کشور، با فعالان سیاسی و حزبی کشور بودیم که حضرت‌عالی هم در آن شرکت داشتید. هرچند ترکیب متفاوت و تقریباً جذابی از فعالان سیاسی و حزبی با طیف‌های مختلف، نشست را دیدنی کرده بود، اما به نظر می‌رسد ما شاهد تکرار یک روند نمایشی بدون خروجی ملموس، آن‌هم در شرایط حساس و شکننده کنونی پساجنگ هستیم. پس بدون تعارض شرایط جنگی و تحریم‌های گسترده، ایران مطرح‌کنم که آیا با توجه به سابقه این‌گونه نشست‌ها، چه در دولت چهاردهم و چه در دولت سیزدهم که حتی با حضور رئیس‌جمهور برگزار شد، اما اتفاق ملموس و مثبتی را برای فضای سیاسی، اجتماعی و حزبی کشور به دنبال نداشت، آیا می‌توان این گزاره را نزدیک به واقعیت دانست که عملاً کارکرد چهره‌های سیاسی و حزبی، صرفاً فرانت «ابزاری» دارد و تنها در مواقع بحرانی با برگزاری این دست نشست‌ها و حضور برخی چهره‌های کمتر دیده‌شده، به دنبال تلطیف نمایشی فضای سیاسی کشور هستند؟

در مقابل این نگاه آسیب‌شناسانه و انتقادی شما، من معتقدم که گفت‌وگو و برقراری دیالوگ، امر پسندیده‌ای است و برگزاری این دست نشست‌ها و اجزادادن به فعالان سیاسی و حزبی برای مطرح‌کردن مواضع خود، برای مدیریت شرایط کنونی کشور که به نظر من هم بحرانی است، کاملاً مفید است.

مفید است؟ می‌شود بگویید کدام فایده؟

به هر حال تجربه ما در گفت‌وگوها نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از اهالی سیاست و فعالان حزبی قرار نیست مواضع و دیدگاه‌های پیشین خود را با توجه به اوضاع جدید کشور تغییر دهند. اتفاقاً در همان نشست روز یکشنبه وزیر کشور با فعالان سیاسی و حزبی که من هم در آن حضور داشتم، جلسه بسیار خوب و مفید و سازنده‌ای بود، از این نظر که به هر حال فرصت داده شد که برخی فعالان سیاسی ممنوع‌الجلسه در نشست‌های رسمی دولتی حضور پیدا کنند. وقتی در یک نشست رسمی وزارت کشور از این فعالان سیاسی و حزبی دعوت به عمل می‌آید، به هر حال یک قدم مثبت است در راستای به رسمیت شناختن جامعه‌ای که به برکت همین جنگ متجاذرانه اسرائیل و آمریکا اکنون بسط و تنوع پیدا کرده است. من هم در همان نشست تأکید کردم که جامعه ایران پیش از این جنگ جامعه چندپاره بود و بعد از این جنگ، جامعه ایران یکپارچه شد و همچنین بسط پیدا کرد. به عبارت دیگر، جامعه ایران پیشاجنگ، یک جامعه به‌حاشیه‌رفته بود، به‌ویژه بخش نخبگانی آن که یک بخش مغفول‌مانده جدی بود. صدای این طبقه، یک صدای زیرزمینی بود و کوشی هم برای شنیدن حرف‌ها،

مقد است؟ می‌شود بگویید کدام فایده؟
به هر حال تجربه ما در گفت‌وگوها نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از اهالی سیاست و فعالان حزبی قرار نیست مواضع و دیدگاه‌های پیشین خود را با توجه به اوضاع جدید کشور تغییر دهند. اتفاقاً در همان نشست روز یکشنبه وزیر کشور با فعالان سیاسی و حزبی که من هم در آن حضور داشتم، جلسه بسیار خوب و مفید و سازنده‌ای بود، از این نظر که به هر حال فرصت داده شد که برخی فعالان سیاسی ممنوع‌الجلسه در نشست‌های رسمی دولتی حضور پیدا کنند. وقتی در یک نشست رسمی وزارت کشور از این فعالان سیاسی و حزبی دعوت به عمل می‌آید، به هر حال یک قدم مثبت است در راستای به رسمیت شناختن جامعه‌ای که به برکت همین جنگ متجاذرانه اسرائیل و آمریکا اکنون بسط و تنوع پیدا کرده است. من هم در همان نشست تأکید کردم که جامعه ایران پیش از این جنگ جامعه چندپاره بود و بعد از این جنگ، جامعه ایران یکپارچه شد و همچنین بسط پیدا کرد. به عبارت دیگر، جامعه ایران پیشاجنگ، یک جامعه به‌حاشیه‌رفته بود، به‌ویژه بخش نخبگانی آن که یک بخش مغفول‌مانده جدی بود. صدای این طبقه، یک صدای زیرزمینی بود و کوشی هم برای شنیدن حرف‌ها،

چرا محمدعلی وکیلی به‌عنوان یک فعال سیاسی و حزبی و همچنین یک چهره رسانه‌ای، کم‌اکان حسن نظر دارد؟ مگر در دولت سیزدهم از این دست نشست‌ها با فعالان سیاسی و حزبی برگزار نشد؟ مگر از برخی چهره‌ها در ابتدای دولت سابق یک چنین کابینه شکل نگرفته بود، استعماج نشد، اما ریل‌گذاری عملی در همه عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی و... درست ۱۸۰ درجه مخالف با آن چیزی بود که توصیه شده بود. دولت چهاردهم نیز در این یک سالی که گذشته، نشان داده که در عمل، استعداد و توانی بیش از دولت سابق ندارد، بنابراین حضور برخی چهره‌های ممنوع‌الجلسه در نشست وزارت کشور، دالی چندان قوی برای گام‌نهادن در مسیر عملی



عکس: مهرداد تاجی شرق

خبر

پزشکیان تأکید کرد رفع آشکالات امنیتی آشکارشده در جنگ ۱۲روزه

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه برخورد و رفتار ما با مردم باید کاملاً محترمانه باشد، گفت: باید مواجهه ما با کسانی که نسبت به ما موضع و نقدهایی داشته یا دارند یا آنهایی که تصور می‌کردیم دشمن ما بودند، درحالی‌که ما را نقد می‌کردند یا اساساً ما را قبول نداشتند، اما در زمان جنگ تحمیلی پای ایران ایستادند، اصلاح شود.

هیئت دولت، صبح دیروز (چهارشنبه) به ریاست مسعود پزشکیان تشکیل جلسه داد. در این جلسه گزارش مسوطی از طرف دبیرخانه هیئت دولت از عملکرد وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های دولتی و استانداری‌ها در طول دوره جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و برنامه‌ها و خدماتی‌که در این مدت از طرف دستگاه‌های اجرایی انجام شده بود، ارائه شد.

رئیس‌جمهور با تشکر از تلاش‌ها و زحمات همه دستگاه‌ها اظهار کرد: اصلی‌ترین نقش را در این مدت مردم داشتند، بنابراین باید از نقش‌آفرینی جدی و مؤثر مردم و تشکل‌های مردم‌نهاد و همه بخش‌های خصوصی و مردمی دیگر قدردانی کرد. مدیران و مسئولان همه بخش‌ها مکلف هستند همه سعی و تلاش خود را برای حل مشکلات مردم به کار بگیرند و آن را مهم‌ترین وظیفه خود بدانند.

پزشکیان در ادامه افزود: باید برخورد و رفتار ما با مردم کاملاً محترمانه باشد. باید مواجهه ما با کسانی که نسبت به ما موضع و نقدهایی داشته یا دارند یا آنهایی‌که تصور می‌کردیم دشمن ما بودند، درحالی‌که ما را نقد می‌کردند یا اساساً ما را قبول نداشتند، اما در زمان جنگ تحمیلی پای ایران ایستادند، اصلاح شود. رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت اصلاح برخی اشتباهات گذشته تصریح کرد: باید برای حفظ وفاق و همدلی که بین مردم و دولت ایجاد شده است، در رفتارهای‌مان تغییر ایجاد کنیم و همه مسئولان، مدیران و سیاستپون کاری کنند که این وفاق و همدلی تقویت شود و تداوم یابد.



پزشکیان همچنین از مدیران و وزرا خواست گزارشی از اقدامات و دستاوردهای خود در این مدت به رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما ارائه دهند و یادآور شد: باید به شکل مناسب درباره اقدامات دولت در دوره جنگ که باعث شد زندگی به صورت عادی در جامعه جریان یابد، به مردم توضیح داده شود. در جلسه امروز همچنین وزرای اطلاعات و کشور گزارشی از حضور خود در مجلس شورای اسلامی و مباحث و سؤالات مطرح‌شده از سوی نمایندگان ارائه دادند. رئیس‌جمهور ضمن تشکر از تلاش‌ها و زحمات نهادهای امنیتی در طول جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، اظهار کرد: در جنگ اخیر معلوم شد که در زمینه‌های امنیتی آشکالات اساسی داشته‌ایم. باید آسیب‌شناسی لازم در این زمینه انجام شود تا آسیب‌ها به کشورمان در این موارد به حداقل برسد. همچنین در این جلسه علاوه بر طرح موارد اجرایی از طرف اعضای دولت، فاطمه مهاجرانی گزارشی از سفر به بوسنی و شرکت در مراسمی که از طرف گروه «مادران بوسنی» تشکیل شده بود و ملاقات‌ها و بازدیدهایی که در جریان این سفر داشت، ارائه داد. وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز گزارشی از آخرین وضعیت و مشکلات صنعت و کارخانجات بعد از جنگ ۱۲روزه داد. در این جلسه گزارش کاملی هم از سوی وزیر کشور درباره نحوه ساماندهی اتباع خارجی و کم‌وکیف بازگشت اتباعی که غیرقانونی وارد کشور شده‌اند، ارائه شد.